

فهرست مطالب

۱۳	یادداشت نویسنده.....
۱۹	بخش نخست: رابطه جسم و جان.....
۲۱	فصل اول: موجود زنده چیست؟.....
۲۸	نظریه اصل تعادل مداوم.....
۲۹	پیدایش علمی جهانگیر.....
۳۲	رواندرمانی‌های استعلامی - رفتاری.....
۴۳	ادراک استعلامی، مفهومی بنیادی در علوم عصبی.....
۴۸	مجادله در باب اعتبار علوم عصبی.....
۵۹	فصل دوم: موضوع علوم استعلامی.....
۶۰	نظریه رفلکس‌ها.....
۶۸	ذهن یا ادراک استعلامی.....
۷۳	فصل سوم: رابطه جسم و جان.....
۷۵	رانش، نظریه‌ای خاص در باب رابطه جسم و جان.....
۷۸	تصورات ذهنی و ضمیر آگاه.....
۸۰	موجود زنده.....
۸۲	نفس حیوانی.....
۸۷	صور مختلف انقسام به عنوان وجه تمایز موجود زنده.....
۹۰	نفس محبوبه.....

فاعل نفسانی چگونه تشکل مییابد؟ ۹۵

رائش نزد فروید و لکان ۹۹

فصل چهارم: پرسش از زمان ۱۱۱

ورود به مطلب ۱۱۱

زمان، تقارنی مستمر ۱۱۳

ارسطو و مسأله زمان ۱۱۴

برداشت عموم از زمان و دسترسی ذاتی انسان بدان ۱۱۹

مسأله زمان در مطالعات تطبیقی حیوانات (اتولوژی) ۱۲۴

رائش یا غریزه، فروید یا لورنتز ۱۳۴

تقابل و تعامل میان روانکاوی و اتولوژی ۱۴۵

زبان و اتولوژی ۱۵۰

صورت و ترکیب کلمات ۱۵۷

زبان تکلم ۱۶۴

حیث زمانی و فیزیولوژی حرکت ۱۶۸

حرکت و زمان، دو عنصر اساسی در کارکرد مغز ۱۷۴

کنترل حرکات بدن و وجه زمانی آن ۱۷۹

تناوب حرکت و مدخلیت آن در حیث زمانی موجودات زنده ۱۸۲

فیزیولوژی ابتکار عمل ۱۸۸

دوروند تحقیقاتی تقریباً متضاد ۱۹۱

ورای مفاهیم فطری/ اکتسابی ۱۹۳

جان عالم ۱۹۴

فیزیولوژی استباقی ۱۹۷

بدن، وحدت یا پراکندگی، جمع یا تفرقه؟ ۱۹۹

وضع فعلی تحقیقات و منشاء تاریخی آنها ۲۰۲

انواع مکانیسم‌های استباقی ۲۰۷

مدل‌های عصبی داخلی و جهان خارج ۲۱۳

بخش دوم: خواب و رؤیا ۲۱۹

فصل اول: فرایند رؤیا ۲۲۱

موضع و مدخلیت خواب‌بیننده در رؤیا ۲۲۱

وجه‌زمانی آرزومندی ۲۳۱

زمان بلحاظ ریشه‌شناسی ۲۳۳

مضارعه، مکانیسم عمده رؤیا ۲۳۴

رؤیای افتتاحیه فروید در تعبیر خواب ۲۳۷

بافت و انسجام وقایع در رؤیا ۲۳۹

اشکال مختلف نقل و حکایت در رؤیا ۲۴۲

توالی زنجیری، توالی دفعی و توالی تلفیقی ۲۴۴

خواب‌های خارق‌العاده ۲۴۶

بازگشت بیوقفه همان ۲۴۸

روند سلسله وقایع در رؤیا ۲۵۰

فقدان هیجان در رؤیا ۲۵۲

چگونه فاعل نفسانی در رؤیا ظاهر میشود؟ ۲۵۵

انحلال در تکرار / انحلال در غیر ۲۶۲

انحلال در غیر ۲۶۶

تفاوت رؤیا و دیوانگی ۲۷۰

رابطه فانتسم و رؤیا و تفاوت آنها با یکدیگر ۲۷۵

دو نوع خاص از فانتسم ۲۷۶

تحقق آرزومندی یا ارضای آن؟ ۲۸۲

فانتسم‌ها در تحولات نفسانی دستخوش تغییرات مختلفی میگردند ۲۸۴

سه نوع مهم از کاربرد فانتسم در خواب ۲۹۰

خواب‌های صرفاً تخیلی ۲۹۷

آسیب روانی و پیامدهای آن ۳۰۴

اعداد و ارقام در رؤیا ۳۱۶

وارونه جلوه‌دادن مسائل ۳۲۴

آخرین شراره آرزومندی ۳۲۹

فصل دوم: رؤیا و فیزیولوژی خواب ۳۳۳

مروری بر رئوس مطالب فصل قبل ۳۳۳

کارکرد مغز در خواب ربطی به سیستم رفلکس ندارد ۳۳۶

حاصل آنکه امروز کتاب علم عمیق بیشتری بچیده آن با لحاظ علمی و فلسفی برای اکثریت قابل دسترس باشد. برای سهولت فراغت و با تلفظ صحیح اسماء خاص از زبان نشنیده، تویین و انواع مبرزه نهایت استفاده را کردیم. زیرا گذشته‌های غیر با لحاظ خط فارسی بوده و سیاه‌ای مناسب جهت دست و چفتت به نشانی به کاربرد آن هستند. کلمات و ترکیباتی که از زبان‌های ترکی، هندی، عربی، روسی، ... وارد زبان فارسی شده‌اند جزئی لا‌شک از میراث فرهنگی ما می‌باشند بطوری‌که هر نوع تهمیض نسبت بدانها در زبان فارسی نادر است. خلاصه شعور در روح زبان بلکه کاری بر تصحیف آن نکرده و زبان ما را از هرگونه امکان فکری، علمی و ادبی محروم نخراند. ساختن امروزه از اصول فلسفی و تحقیقاتی خود معادلات فنی را تنها پارچه ذهنی و فیزیکی به اهدا آنها در زبان انگلیسی درک آسان می‌کند. بخوبی که معادلات فارسی آنها به همین لحاظ منبسط دارند و نه اغیبتی با لحاظ فنی. نوگونی خط خلاصی مکانیکی هستند که از دور به کلمات کاملاً تریبی در زبانی دیگر ارجاع دارند. اینست فاجعه تویین زبان فارسی که نمی‌کست هرگز از کاملاً تنگی بر زبانی بیگانه کند. زبانی که در دستل است و چه ضروری خود را که خصوصاً هر زبان اسکناس است. از دست به بلند فرقی و فتح نشانی‌ای شاید تنها آید. در زبان به زمان و آثار آسانی نیست که در عبارات و تعاضی و امن زبان سازی به تصرف دیگر زبانی به آن نداشته خود را بصرف طبع در وطن روند. طبعی زبان قرار می‌دهند.

در اینجا لازم میدانم بر آنجاست تشکر خود را نسبت به آقای جعفر عثمانی و همکاران محترم نشری، اعلام نموده از مساعدت ایشان در انتشار کتاب روانکوبی تحلیل بعمل آورم.

زستان ۱۳۹۵

تفاوت میان انسان و حیوان نداشتن باشد.

پرسش این است که آیا قول به شباهت میان مغز آدمی و دستگاه عصبی حیوان با ذکر این تفاوت که تنها سلسله اعصاب انسان دارای پیچیدگی بیشتری است اشتباهی تاریخی است یا حاکی از تحوُّلی منحصر به فرد در سیر تاریخی علوم؟ این پرسش ما را بر آن میدارد تا برداشتی را که امروزه انسان از وجود خود دارد مورد مذاقه قرار دهیم.

فصل اول موجود زنده چیست؟

علوم عصبی آدمی را به عنوان موجودی زنده مینگرند. این برداشت را مدیون اعصاب جدید یعنی از رنسانس به این طرف هستیم. به موجب این برداشت نظر ماوراء الطبیعه سابق نسبت به آدمی دچار تزلزل گردید. مع الوصف این مسأله که حیات چیست همچنان بی‌پاسخ باقی مانده است. البته این وضع نه ناشی از غفلت نه حاکی از فراموشی است. علم در پی کشف مکانیسم‌ها و درک انواع مختلف حیات حیوانی بوده نمیتواند به پرسش‌هایی پاسخ دهد که در حیطه مطالعاتش نمیگنجند، ولی این امر حاکی از آن نیست که فاقد برداشتی خاص خود از آن نباشد. حیات به عنوان خصوصیت اصلی موجود زنده برداشتی جدید میباشد که منجر به ظهور علمی چون زیست‌شناسی گردیده است.

ارسطو مینویسد: «حیات یعنی تغذیه کردن، رشد کردن و نابود شدن بدون آنکه